

گزارش

جلسه وبیناری بررسی صلاحیت مهرداد اخلاقی برگزار شد

رای اعتماد به سرباز صنعت دفاع

شرق: مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی وبیناری روز یکشنبه ۲۶ مهر، با بررسی صلاحیت «مهرداد اخلاقی» به‌عنوان وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، به او رای اعتماد داد. این جلسه که با حضور نمایندگان در فضای مجازی برگزار شد، شاهد طرح دیدگاه‌های موافق و مخالف، تشریح برنامه‌های وزیر پیشنهادی و تأکید بر اولویت‌های دفاعی کشور بود. جلسه بررسی صلاحیت مهرداد اخلاقی، وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، در شرایطی برگزار شد که کشور در مقطع حساس امنیتی و راهبردی قرار دارد. این جلسه که به‌صورت وبیناری و با حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی برگزار شد، فرصتی برای بررسی دقیق سوابق، برنامه‌ها و رویکردهای وزیر پیشنهادی در حوزه دفاعی کشور بود. نمایندگان موافق و مخالف در سخنانی، دیدگاه‌های خود را درباره صلاحیت و برنامه‌های اخلاقی مطرح کردند و در نهایت، نمایندگان مجلس با رای اعتماد خود، مسئولیت خطیر وزارت دفاع را به او سپردند.

دیدگاهمخالف

حامد یزدیان، نماینده اسفهان، به‌عنوان مخالف وزیر پیشنهادی، ضمن تأکید بر اینکه نکات او به معنای نادیده‌گرفتن توانایی‌های اخلاقی نیست، گفت: «وظیفه همه ما در دوران جنگ و دفاع مقدس، حمایت از مجموعه وزارت دفاع است». او با گرامیداشت یاد شهیدان دفاع مقدس و وزیر شهید دفاع، بر ضرورت جدی‌ترشدن برون‌سپاری در وزارت دفاع تأکید کرد و افزود: «باید نگاه جدی‌تری به مجموعه‌های دانش‌بنیان داشته باشیم. تفاوت دیدگاه بنده با نگاه مطرح‌شده در برنامه‌های وزیر پیشنهادی این است که بنیاد مجموعه‌های دانش‌بنیان را صرفا پیمانکار وزارت دفاع بدانیم، بلکه باید آنها را مغزافزار این وزارتخانه در نظر بگیریم». یزدیان با اشاره به ضرورت توجه بیشتر به حوزه‌های راداری، پهبادی و موشکی، اظهار کرد: «جنگ امروز، جنگی چندبعدی و ترکیبی است و عمده تمرکز برنامه‌های وزیر پیشنهادی بر مباحث نظامی بوده، موضوعاتی مانند تأثیر رادارهای دشمن در کشورهای منطقه بر شرایط اقلیمی و بارش‌ها در کشور، جنگ سایبری و دیگر ابعاد جنگ نشان می‌دهد که وزیر دفاع باید به همه این مسائل توجه جدی‌تری داشته باشد». او هشدار داد که اگرچه در ابعاد نظامی به پیروزی دست پیدا کنیم، اما اگر نتوانیم در سایر ابعاد به موفقیت برسیم و تاب‌آوری کشور کاهش یابد، با مشکلاتی مواجه خواهیم شد. این نماینده مجلس همچنین با تأکید بر ضرورت توجه هم‌زمان به توان عملیاتی و انگیزه‌های معنوی نیروهای مسلح گفت: «باید معظم مردم رهبری در سخنان خود با نیروهای مسلح بارها بر ضرورت برخورداری از توان عملیاتی و انگیزه‌های معنوی تأکید کرده‌اند؛ لذا لازم است صلابت، اقتدار و نگاه ایدئولوژیک نیز در بیانات و مواضع وزیر دفاع نمود داشته باشد». او با اشاره به اهمیت توانمندی‌های فنی در موفقیت موشکی کشور افزود: «تردیدی نیست که مشخصات فنی و تکنیکی در اصابت موشک‌ها به اهداف بسیار مهم است، اما نباید فراموش کنیم که یکی از عوامل مؤثر در این مسیر، باور و اعتقاد نیروهای مسلح است». او در پایان خطاب به وزیر پیشنهادی دفاع خواستار اعلام موضع صریح و قاطع در حمایت از جبهه مقاومت شد و افزود: «انتظار می‌رود وزیر پیشنهادی در تشریح برنامه‌هایش، حمایت صریح خود را از جبهه مقاومت و نیروهای آن در لبنان، عراق و یمن اعلام کند؛ چنین موضعی برای دنیا پیام دارد و می‌تواند ضمن تأمیدکردن دشمنان، موجب تقویت روحیه و امید در جریان مقاومت شود».

دیدگاهموافق

ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، به‌عنوان موافق وزیر پیشنهادی، با اشاره به سوابق تخصصی و اجرایی اخلاقی اظهار کرد: «برنامه‌هایی که از ایشان دریافت کردیم و سوابق و تجربه‌ای که در طول سال‌های فعالیت خود به دست آورده‌اند، نشان می‌دهد ایشان از بدنه وزارت دفاع برای تصدی این مسئولیت معرفی شده‌اند. این موضوع اهمیت زیادی دارد، چراکه در گذشته عمدتاً افرادی از بیرون وزارت دفاع برای این مسئولیت معرفی می‌شدند، اما اکنون فردی از داخل این مجموعه که سال‌ها تجربه تخصصی، به‌ویژه در حوزه موشکی و هوافضا دارد، به مجلس معرفی شده است». عزیزی این سابقه را یکی از نقاط قوت وزیر پیشنهادی دانست و افزود: «سوابق آقای اخلاقی فرصت مناسبی برای بخش‌های مختلف وزارت دفاع فراهم می‌کند. ایشان در جلسات متعدد پذیرفتند که معباری نوین مبتنی بر تهدیدات و فرصت‌ها را در وزارتخانه دنبال کنند. انتظار نداریم چنین معماری از مدت کوتاه به‌طور کامل شکل بگیرد، اما می‌تواند در یکی، دو سال آینده پایه‌گذار حرکت باشد. وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران به چنین معماری‌ای نیاز دارد و آقای اخلاقی می‌تواند زمینه شکل‌گیری آن را فراهم کند». رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به ضرورت اصلاح طرح آمایش دفاعی گفت: «یکی از مشکلات جانبی وزارت دفاع و نیروهای مسلح، موضوع طرح آمایش است. ما به توجه به اینکه جنگ ما در خلیج فارس و سواحل ماست، بر این تجهیزات در استان‌هایی با فاصله زیاد از این مناطق مستقر شده‌اند. بر همین اساس، قرار شده است طرح آمایش اصلاح شود تا تجهیزات و امکانات به حوزه‌های نبرد نزدیک شوند». عزیزی افزایش بهره‌وری را از دیگر انتظارات مجلس از وزیر پیشنهادی دفاع عنوان کرد و گفت: «وزارت دفاع به بهره‌وری بیشتر نیاز دارد و آقای اخلاقی نیز برای افزایش حادکنری بهره‌وری این مجموعه قول داده‌اند. همچنین آمین‌سازی و امن‌سازی سازه‌ها و تجهیزات دفاعی از موضوعات مهمی است که باید مدنظر باشد. او داده‌داد: «ما مشکل تولید تجهیزات نداریم و آنچه نیاز جنگ سوم است، امن‌سازی است. آقای اخلاقی اقدامات خوبی را برای امن‌سازی و آمین‌سازی تجهیزات نوین نیروهای مسلح شروع کرده‌د، بنا بر تدبیر فرمانده ستاد کل قوا، کار آغاز شده است».

دفاعیات اخلاقی

مهرداد اخلاقی در جلسه علنی مجلس، ضمن ادای احترام به شهدا، به‌ویژه امیر سرلشکر نصیرزاده، بر تداوم راه شهیدان تأکید کرد و خدمت به ملت در نبرد با جبهه استکبار و صهیونیسم را توفیق الهی دانست. او از رئیس‌جمهور و نمایندگان برای بررسی دقیق برنامه‌هایش قدردانی کرد. اخلاقی شرایط کنونی را حساس و متغیر توصیف کرد و گفت دفاع از کشور مستلزم شناخت دقیق محیط، درک منطق تحولات و آمادگی برای آینده‌ای متفاوت است. به گفته او، جنگ‌های امروز ترکیبی اند و جنگ نامنطقه‌ما کاریج است. وزیر سایبری، زکریا زنجیره تأمین و جنگ اطلاعاتی در هم آمیخته است. وی توانمندی دفاعی کشور را حاصل دهه‌ها تلاش دانشمندان و متخصصان در شرایط تحریم دانست که دشمن را در جنگ ۱۲ روزه به بن‌بست راهبردی کشانده است. اخلاقی هشدار داد هر خطای محاسباتی مجدد آمریکا با پاسخی غافلگیرکننده و گسترده مواجه خواهد شد.

اظهارات پس از رای اعتماد

مهرداد اخلاقی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، در حاشیه جلسه علنی وبیناری دیروز و در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره احتمال استفاده آمریکا از «مادر بمب‌ها» علیه ایران، گفت: «ما تدابیر لازم را برای این موضوع اندیشیده‌ایم و خیال‌مان راحت است؛ با اطمینان کار خود را انجام می‌دهیم». او خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا افزود: «او باید به فکر این باشد که نیروهایش را سالم از منطقه ما خارج کند. اگر یک بمب پینداورد یا بمب دینامیت قدر نفر از نیروهایش را سالم به‌صورت افقی از منطقه خارج کند»، وزیر دفاع تأکید کرد: «خیالتان راحت باشد. همین موضوع نیز باعث شده است که آمریکا تاکنون از این اقدام خودداری کند. البته اگر تهدیدهایش را از شعار به عمل تبدیل کند، نتیجه‌اش را خواهد دید».

www.sharghdaily.com

زهره فراهانی: از جنگ ۱۲ روزه تا جنگ ۴۰ روزه و ماه‌های پرتالهباب پس از آن، یک پرسش همچنان در زندگی ایرانیان تکرار می‌شود: «امشب جنگ می‌شود؟». تهدیدهای تازه آمریکا، خبر بررسی استفاده از «مادر بمب‌ها»، تحریم‌های اقتصادی و اختلافات سیاسی داخلی، این پرسش را زنده نگه داشته‌اند. اما مسئله دیگر فقط احتمال حمله نظامی نیست؛ طولانی‌شدن وضعیتی است که در آن بخشی از تصمیم‌های اقتصادی، برنامه‌های خانوادگی و حتی تغییرات مدیریتی زیر سایه جنگ باقی مانده‌اند. سه نماینده مجلس در گفت‌وگو با «شرق»، از سه زاویه متفاوت به این وضعیت پرداخته‌اند؛ یکی از نقش جریان‌های سیاسی داخلی در تشدید نگرانی‌ها می‌گوید، دیگری تهدیدهای آمریکا را تلاشی برای کاهش تاب‌آوری جامعه می‌داند و سومی هشدار می‌دهد که جنگ نباید به بهانه‌ای برای حفظ مدیران ناکارآمد تبدیل شود.

کشوری که فردایش را به بعد موکول کرده است

جنگ برای ایران به یک تاریخ مشخص محدود نمانده است. نه با پایان جنگ ۱۲ روزه تمام‌شد و نه با اعلام آتش‌بس پس از جنگ ۴۰ روزه، سایه آن زندگی مردم کنار رفت. در این فاصله، یک پرسش بارها تکرار شده، پرسشی کوتاه که پاسخ آن می‌تواند برنامه فردای جنگ خوانده، تصمیم یک سرمیادگذار یا حتی آرامش یک شب را تغییر دهد: «امشب جنگ می‌شود؟». این پرسش دیگر فقط هنگام آغاز حمله یا انتشار خبر جابه‌جایی تجهیزات نظامی مطرح نمی‌شود؛ کافی است ترامپ تهدید تازه‌ای کند، رسانه‌ای آمریکایی از بررسی یک گزینه نظامی خبر بدهد یا مذاکرات بار دیگر به بن‌بست برسد، نگرانی از تکرار جنگ دوباره به‌صدر گفت‌وگوها بازمی‌گردد. هنوز چند ساعت از انتشار یک خبر امیدوارکننده درباره مذاکره نگذشته که تهدیدی تازه، همه محاسبات را به هم می‌زند. جامعه میان این دو وضعیت گرفتار مانده است؛ نه می‌تواند احتمال جنگ را نادیده بگیرد و نه می‌داند تا چه زمانی باید زندگی خود را با احتمال وقوع آن تنظیم کند. ماجرا از خرداد سال گذشته آغاز شد؛ زمانی که حملات اسرائیل به ایران در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، جنگ ۱۲ روزه را رقم زد. جنگی که به ورود مستقیم آمریکا و حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران وارد مرحله دیگری شد و سرانجام در سوم تیر با آتش‌بس متوقف شد. آن روزها، بسیاری تصور می‌کردند تجربه جنگ دست‌کم برای مدتی طولانی به پایان رسیده است. اما کمتر از یک سال بعد، در نهم اسفند ۱۴۰۴، حملات گسترده آمریکا و اسرائیل جنگ دیگری را آغاز کرد؛ جنگی که نزدیک به ۴۰ روز ادامه یافت و در فروردین ۱۴۰۵ به آتش‌بسی شکنده رسید، دوره‌ای که در ایران از آن به عنوان جنگ رمضان نیز یاد می‌شود. آتش‌بس فروردین هرچند از شدت درگیری‌ها کاست، اما نتوانست به توافقی پایدار منجر شود. مذاکرات بعدی نفاهم موقت خرداد، اختلافات بر سر برنامه هسته‌ای و تنگه هرمز و ازسریگیری برخی حملات، نشان دادند که بحران همچنان ادامه دارد. امروز نیز با وجود درودشدن پیام‌ها و تلاش میانجیگران، چشم‌انداز روشنی از پایان کامل این رویارویی وجود ندارد. در چنین شرایطی، «نه جنگ و نه صلح» دیگر تنها یک تعبیر سیاسی برای توصیف رابطه ایران و آمریکا نیست، این وضعیت آرام‌آرام به مسئله‌ای در زندگی روزمره تبدیل شده است. به خریدوفروش‌هایی که عقب می‌افتند، به تصمیم‌هایی که گرفته نمی‌شوند، به کارهایی که انجامشان به روشن شدن آینده موکول می‌شود و به این تصور که نباید بهتر باشد فعلًا هیچ تصمیم بزرگی گرفته نشود. البته مشکلات اقتصادی ایران پیش از این جنگ‌ها نیز وجود داشت. تورم، کاهش قدرت خرید، نوسانات ارزی و تحریم‌ها از مدت‌ها قبل بر زندگی مردم فشار وارد کرده بودند. اما تکرار جنگ و ادامه تهدیدها، عامل تازه‌ای به این مشکلات اضافه کرده است: نااطمینانی از اینکه شرایط فردا چگونه خواهد بود. همین نااطمینانی، گاهی از خود خبر جنگ فراتر می‌رود. ممکن است حملات رخ ندهد، اما تصمیمی که در انتظار روشن‌شدن وضعیت به تعویق افتاده، همچنان بلاکلیف بماند. ممکن است مذاکرات ادامه پیدا کند، اما تا زمانی که نتیجه‌ای قطعی نداشته باشد، نتواند اطمینان از دست‌رفته را به بازار یا خانواده‌ها بازگرداند. پرسش اصلی گزارش «شرق» نیز از همین نقطه آغاز می‌شود، چه اتفاقی افتاده که انتظار برای جنگ بعدی به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده است؟ آیا مردم واقعاً کمتر از گذشته از جنگ می‌ترسند یا صرفاً به ادامه زندگی در کنار این ترس عادت کرده‌اند؟ و مهم‌تر اینکه چه کسانی مسئول کاهش این نااطمینانی هستند؟

از «مادر بمب‌ها» تا نظریاتی که هر شب تکرار می‌شود

در روزهای اخیر، نام یکی از سنگین‌ترین بمب‌های غیرهسته‌ای آمریکا بار دیگر وارد اخبار مربوط به ایران شده است؛ سلاحی که به «مادر بمب‌ها» شهرت دارد. نامی که حتی پیش از بررسی توان و کاربرد نظامی آن، بار روانی قابل‌توجهی دارد. بانزدهم اکثر شبکه‌های سب‌اس‌بی‌سی به نقل از منابع آگاه گزارش داد که کاخ سفید و پنتاگون طرح‌هایی برای استفاده احتمالی از این سلاح علیه اهداف نظامی در ایران تهیه کرده‌اند. شبکه ای‌بی‌سی نیز گزارش داد که استفاده از این بمب یکی از گزینه‌های نظامی مطرح‌شده برای دونالد ترامپ است، اما رئیس‌جمهور آمریکا هنوز درباره اجرای آن تصمیمی نگرفته است. این تفاوت از نظر خبری اهمیت دارد. تهیه طرح نظامی، صدور دستور موضع نیست و بررسی یک گزینه نیز به معنای قطعی بودن اجرای آن نیست. با این حال، انتشار چنین اخباری در شرایط کنونی، مستقل از اینکه در نهایت به اقدام منجر شوند یا نه، می‌تواند بر فضای عمومی اثر بگذارد. ترامپ در شانزدهم اکتبر نیز در گفت‌وگو با نیوزکس، احتمال هدف قراردادن تأسیسات زیرزمینی ایران را مطرح کرد و در عین حال گفت قصد استفاده از سلاح هسته‌ای را ندارد. او استفاده احتمالی از «مادر بمب‌ها» را صریحاً تأیید نکرد، اما آن را نیز از فهرست گزینه‌ها کنار نگذاشت. در سوی دیگر، فشار اقتصادی آمریکا همچنان ادامه دارد. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در پانزدهم اکتبر، تحریم‌های تازه‌ای را علیه شبکه‌های مالی مرتبط با ایران اعلام کرد. این اقدام در ادامه مجموعه فشارهایی صورت گرفت که با محاصره دریایی، محدودیت‌های تجاری و اختلافات درباره تنگه هرمز همراه شده‌اند. بنابراین جامعه فقط با یک تهدید نظامی روبه‌رو نیست. بر خبر از احتمال حمله، در کنار اخبار تحریم، محدودیت تجارت و نوسان اقتصادی قرار می‌گیرد و فضای تصمیم‌گیری را پیچیده‌تر می‌کند. در چنین وضعیتی، آنچه گاهی «عادی‌شدن جنگ» نامیده می‌شود، لزوماً به معنای از بین رفتن ترس نیست. ممکن است جامعه به شنیدن خبر جنگ عادت کرده باشد، اما هنوز نتواند پیامدهای احتمالی آن را از محاسبات زندگی کنار بگذارد. کسی که هر روز اخبار تهدیدها را دنبال می‌کند و به همچنان سراسر می‌رود،

لرزمافردي بي‌نگرانی نیست. گاهی ادامه زندگی، تنها انتخاب ممکن است. مردم نمی‌توانند هر بار که احتمال جنگ مطرح می‌شود، تمام فعالیت‌های خود را متوقف کنند. از سوی دیگر، تردید درباره آینده نیز به‌سادگی از بین نمی‌رود. اما این وضعیت تنها محصول تهدیدهای واشینگتن نیست؛ در داخل کشور نیز اختلاف بر سر مذاکره، سیاست خارجی و نحوه مواجهه سا آمریکا ادامه دارد. اختلافاتی که گاه به انتقادهای تند از مسئولان، تجمعات سیاسی و طرح استیضاح وزیر امور خارجه کشیده شده و پرسش‌هایی درباره انسجام تصمیم‌گیری در شرایط جنگی ایجاد کرده است.

شهرداری: جنگ‌روانی آمریکا در داخل کشور هم زمینه پیدا کرده است

محمدمهدی شهرداری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، در گفت‌وگو با «شرق» از همین مسئله سخن می‌گوید. او معتقد است جنگ روانی یک ابزار جدید برای طبیعی در یک رویارویی همه‌جانبه است، اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، عواملی است که در داخل کشور می‌توانند زمینه‌ا اثرگذاری این جنگ روانی را فراهم کنند. شهرداری می‌گوید: وقتی شما در یک جنگ همه‌جانبه قرار می‌گیرید، جنگ روانی هم یکی از ابعاد جنگ است. این موضوع کاملاً مشخص است و دور از انتظار نیست، ولی ما باید انسجام داخلی داشته باشیم تا تحت تأثیر اقدامات دشمن قرار نگیریم. او بلافاصله از جبهه پایداری نام می‌برد و با انتقاد از رفتار سیاسی این جریان، معتقد است بخشی از مشکلات کنونی به شکاف‌هایی بازمی‌گردد که در داخل ایجاد شده‌اند. شهرداری تأکید می‌کند: با توجه به دوقطبی‌ای که برداران پایداری در کشور ایجاد کرده‌اند و به نظر می‌می‌تواند یکی از ابعاد نفوذ باشد، خود ما باید در داخل کشور دنبال این بگردیم که چه کسانی زمینه‌هایی ایجاد می‌کنند که جنگ روانی دشمن در داخل بتواند موفق عمل کند. این نماینده مجلس معتقد است برخی سخنرانی‌ها و مواضع سیاسی در شرایط حساس کنونی، به جای کمک به انسجام داخلی، به تشدید اختلافات منجر می‌شوند. او به‌ویژه از کسانی انتقاد می‌کند که به گفته او در تجمعات شبانه، مسئولان تصمیم‌گیر در حوزه سیاست خارجی را هدف حملات لفظی قرار می‌دهند. شهرداری می‌گوید: بعضی از دوستانی که این شب‌ها در میدان سخنرانی می‌کنند، فقط توهین کرده و افترا می‌زنند. ما باید در مقابل آمریکا سیاست اعلامی داشته باشیم و این سیاست را هم داریم، اما اینها تصمیم‌گیرندگان اصلی را تضعیف می‌کنند و جسارت تصمیم‌گیری را از آنها می‌گیرند. او در ادامه از به‌کارگیری توهین‌های ناموسی، الفاظ رکیک و اتهام‌های سیاسی در برخی رسانه‌ها و تجمعات انتقاد می‌کند و می‌گوید چنین رفتارهایی با ضرورت انسجام ملی در شرایط جنگی سازگار نیست. شهرداری حتی بخشی از موفقیت جنگ روانی آمریکا را به همین رفتارها مرتبط می‌داند: من فکر می‌کنم یکی از ارکان موفقیت آمریکا در جنگ روانی را باید متوجه عوامل در داخل کشور بدانیم که متأسفانه از امکاناتی مثل دوجوسیم و امکانات هیت‌انداز استفاده می‌کنند و فقط در حال ایجاد تفرقه در کشور هستند. متأسفانه تا حد زیادی هم به اهداف خودشان رسیده‌اند. اتهام‌هایی که شهرداری متوجه جبهه پایداری و برخی سخنرانان تجمعات می‌کند، دیدگاه سیاسی او است و اثبات وجود ارتباط سازمان‌یافته این افراد با آمریکا نیست. با این حال، آنچه در این گفت‌وگو اهمیت دارد، تأکید او بر مسئولیت داخلی در برابر جنگ روانی خارجی است؛ اینکه حتی در شرایط تهدید نظامی می‌نمی‌توان آثار اختلافات سیاسی و تضعیف نهادهای تصمیم‌گیر را نادیده گرفت.

وقتی مذاکره به تابو تبدیل می‌شود

بخش دیگری از انتقاد شهرداری متوجه مخالفانی است که به باور او هرگونه مذاکره با آمریکا را معادل عقب‌نشینی یا تسلیم معرفی می‌کنند. در هفته‌های گذشته، اختلاف بر سر سرملکرد دستگاه دیپلماسی بار دیگر به مجلس کشیده شد. پس از انتشار گزارش‌هایی درباره دیدارهای عباس عراقچی با مقام‌های آمریکایی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل، بحث استیضاح وزیر امور خارجه مطرح شد و تعدادی از نمایندگان از ثبت درخواست استیضاح در سامانه مجلس خبر دادند. این اختلافات در حالی ادامه دارد که مذاکرات و انتقال پیام میان تهران و واشینگتن، همچنان یکی از محورهای اصلی تحولات سیاسی منطقه است.



شورای درباره این وضعیت می‌گوید: در روزهای اخیر پیشنهادهایی برای مذاکره مطرح شده است. باید به مسئولان مربوط اجازه داد سیاست‌گذاری کنند. با پاسخ بدهند. مذاکره هم یکی از راه‌های مبارزه است و همه دارند این را می‌گویند. ولی بعضی‌ها مذاکره را تبدیل به تابو کرده‌اند؛ به‌طوری‌که هرکس بحث مذاکره را مطرح کند، می‌گویند دنبال تسلیم و عامل بیگانه است. او معتقد است تشدید اختلافات داخلی می‌تواند اتحاد تصمیم‌های ضروری را محدود کند و به جای ایجاد اکتان، بر ناراضیاتی عمومی بیفزاید. این عضو کمیسیون امنیت ملی در ادامه می‌گوید: من فکر می‌کنم کاملاً برعکس است. کسانی که نمی‌گذارند کشور به آرامش و ثبات سیاسی و اجتماعی برسد، باید پاسخ‌گو باشند. شهرداری در تحلیل خود، بخشی از ناراضیاتی‌ها را اقتصادی را نیز ناشی از عملکرد جریان‌هایی می‌داند که به گفته او، در سال‌های گذشته مانع اجرای برخی اقدامات مثبت شده‌اند. او معتقد است در شرایطی که فشار اقتصادی زندگی بخش بزرگی از جامعه را تحت تأثیر قرار داده، اختلافات سیاسی بر سر مذاکره می‌تواند بر دامنه ناراضیاتی‌ها بیفزاید. شهرداری در توضیح آثار این وضعیت به نیابت‌های مکرر درباره حمله نظامی اشاره می‌کند: از آن طرف هم القا می‌کنند که امشب حمله می‌شود، فرداشب حمله می‌شود، فرداشب حمله می‌شود، فرداشب حمله می‌شود، فرداشب حمله می‌شود، اینها همه باعث می‌شود ناراضیاتی‌ها بیشتر شود. البته شلوغ‌شدن میم‌بزن‌ها یا افزایش قیمت‌ها به عوامل مختلفی وابسته است و نمی‌توان بدون داده‌های مستقل، همه این‌رخدادها را نتیجه یک جریان سیاسی یا مجموعه‌ای از شایعات دانست. با این حال، شهرداری معتقد است استمرار فضای ناگرانی و اختلاف داخلی، به افزایش بی‌ثباتی کمک می‌کند.

همه می‌گویند صبر کنیم تا ببینیم چه می‌شود

شهرداری در ادامه گفت‌وگو از مسئله‌ای سخن می‌گوید که شاید ملموس‌ترین بخش پیامدهای وضعیت کنونی باشد؛ زندگی‌هایی که در انتظار روشن‌شدن آینده متوقف مانده‌اند. او معتقد است مردم پس از تجربه جنگ ۴۰ روزه تا اندازه‌ای در برابر تهدیدهای روانی

مقاومت‌تر شده بودند؛ بعد از جنگ رمضان و جنگ ۴۰ روزه، جنگ برای مردم تا حدی عادی شده بود. دیگر، از جنگ مثل گذشته نمی‌ترسیدند. نه اینکه برایشان مهم نباشد؛ منظورم این است که به آن شکل تحت تأثیر القانات دشمن قرار نمی‌گرفتند. اما شهرداری هم‌زمان تأکید می‌کند بلاکلیفی کنونی بر تصمیم‌های مردم اثر گذاشته است. او می‌گوید: خیلی از مردم کارشان را روی زمین گذاشته‌اند و منتظرند ببینند جنگ می‌شود یا نه. وقتی شرایط بی‌ثبات باشد، هیچ‌کس برای زندگی و آینده‌اش نمی‌تواند تصمیم بگیرد؛ نمی‌تواند معامله کند؛ نمی‌توان سرمایه‌گذاری کند یا دست به کاری بزند. به باور او، خود این انتظار می‌تواند به عاملی برای تشدید مشکلات اقتصادی تبدیل شود. شهرداری ادامه می‌دهد: بی‌ثباتی خودش ریسک است. همه می‌گویند صبر کنیم، صبر کنیم، صبر کنیم تا ببینیم چه می‌شود. همین هم یکی از عوامل بی‌ثباتی خواهد شد و در تمام موضوعات اهمیت‌ها مشکل ایجاد می‌کند. این سخنان به یکی از ابعاد کمتر دیده‌شده وضعیت نه جنگ و نه صلح اشاره دارد. در شرایطی که آینده قابل پیش‌بینی نیست، به تعویق انداختن تصمیم‌ها ممکن است برای افراد اقدامی احتیاطی باشد، اما گسترش همین رفتار در سطح اقتصاد می‌تواند به کاهش فعالیت و سرمایه‌گذاری منجر شود. البته برای سنجش میزان این تأثیر به آمار دقیق نیاز است. اما باید توجه داشت که مشکلات اقتصادی را به انتظار کمک نیست داد، اما نااطمینانی سیاسی و امنیتی یکی از عواملی است که بر تصمیم‌گیری اقتصادی اثر می‌گذارد.

انتقاد از سکوت شورای عالی امنیت ملی

شهرداری بار دیگر به موضوع نقش جریان‌های سیاسی داخلی بازمی‌گردد و از جبهه پایداری را تعابیری تند انتقاد می‌کند. او معتقد است عملکرد این جریان، آگاهانه یا ناآگاهانه، می‌تواند در راستای اهداف دشمن عمل کند و حتی از تعبیر «عوامل پیاده دشمن در داخل کشور» استفاده می‌کند. شهرداری در این بخش از گفت‌وگو، از جلسه‌ای در کمیسیون امنیت ملی سخن می‌گوید که به گفته او، هفته گذشته به حضور آقای طائب برگزار شده بود. او توضیح می‌دهد: در جلسه هفته قبل که آقای طائب در کمیسیون بود و انسجام داخلی را یکی از ارکان موفقیت می‌دانست، من همان‌جا گفتم وزیر خارجه شما با اجازه رهبری پیام‌های کشور را منتقل می‌کنند و در حال مذاکره است. اما اینجا در میدان به او فحش می‌دهند و توهین می‌کنند و می‌گویند استیضاحش می‌کنیم. خب چه کسی بعد از این می‌تواند در کشور تصمیم بگیرد؟ شهرداری با انتقاد از کسانی که به گفته او خارج از فرایند رسمی تصمیم‌گیری، بر دستگاه دیپلماسی فشار وارد می‌کنند، می‌پرسد این افراد با چه اختیار و مسئولیتی روند تصمیم‌گیری کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟ او در ادامه با لحنی تند می‌گوید برخی جریان‌ها به پیامدهای اقتصادی و اجتماعی اختلافات خود توجهی ندارند و بیش از هر چیز در پی تضعیف دولت هستند. شهرداری معتقد است: برای این افراد مهم نیست تهدید بزرگی از مردم زندگی‌شان تحت تأثیر قرار گرفته و شرایط اقتصادی ناراضی‌اند، فقط دنبال این هستند که دولت را زمین‌بزنند، دولت را بی‌آبرو کرده و نفرت مردم از دولت را بیشتر کنند تا خودشان در انتخابات بعدی به اهداف سیاسی‌شان برسند. این نماینده مجلس هشدار می‌دهد چنین رقابت‌هایی ممکن است فراتر از آینده سیاسی دولت، بر ثبات کشور اثر بگذارد. او حتی از نگرانی خود درباره تشدید شکاف‌های داخلی و احتمال ناآرامی‌ها مانند اختلافات به درگیری‌های جدی‌تر سخن می‌گوید و سناریوهایی مانند جنگ داخلی یا تجزیه را به‌عنوان خطراتی مطرح می‌کند که در نظر او نباید نسبت به آنها بی‌اعتنا بود. این نگرانی‌ها، پیش‌بینی سیاسی شهرداری هستند و به معنای وجود شواهد قطعی درباره وقوع چنین رویدادهایی نیستند. او در ادامه انتقاد خود را متوجه شورای عالی امنیت ملی می‌کند: «من تعجب می‌کنم چرا شورایی برای امنیت ملی سکوت می‌کند. وزیر خارجه را خودشان مأمور کرده‌اند، بعد به وزیر خارجه توهین می‌کنند و کسی هم کاری ندارد. این چه وضع حکمرانی است؟ چطور می‌خواهیم مردم را قانع کنیم؟». شهرداری در پاسخ به پرسشی درباره آینده کشور نیز هشدار می‌دهد که ادامه شیوه فعلی می‌تواند پیامدهای نامطلوبی داشته باشد. او می‌گوید: اگر دست‌فرمانان را تغییر ندهیم، قطعاً شرایط بدتر می‌شود. من دغدغه ایران را دارم. این افراد فردا پاسخ‌گو نخواهند شد. در بحران‌های قبلی هم دیدیم همین سیاست را داشته‌اند و همیشه دست پیش گرفته‌اند تا طلبکار باشند. او تأکید می‌کند اگر تغییر در شیوه مواجهه با اختلافات داخلی ایجاد نشود، روزهای خوبی را برای کشورپیش‌بینی نمی‌کند.

میرمحمدی: آمریکا با تهدیدهای مکرر دنبال کاهش تاب‌آوری جامعه است

سیدجلیل میرمحمدی میبدي، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، در گفت‌وگو با «شرق»، از زاویه دیگری به این وضعیت نگاه می‌کند. او بر خلاف شهرداری که نقش جریان‌های سیاسی داخلی را برجسته می‌کند، منشا اصلی جنگ روانی را در سیاست‌های آمریکا و توان رسانه‌ای واشینگتن می‌بیند. میرمحمدی معتقد است جنگ روانی یکی از ابزارهای اصلی آمریکا در رویارویی با ایران است. او می‌گوید: یکی از راه‌هایی که دشمن می‌خواهد آن استفاده کند، جنگ روانی است. ما با دشمن قدرتمندی روبه‌رو هستیم که در حوزه رسانه، اب‌رسانه‌ها را ر اختیار دارد. به گفته او، آمریکا از همراهی بسیاری از کشورهای اروپایی و عربی نیز برخوردار است و جمهوری اسلامی ایران در شرایطی دشوار با این فشارها مقابله می‌کند. میرمحمدی در تحلیل موفقیت‌کنونی واشینگتن، مدعی است آمریکا در تحقق اهداف خود موفق نبوده و به همین دلیل به تهدیدهای تازه و تلاش برای نمایش پیروزی روی آورده است. او می‌گوید: کسی که دست پایین را داشته باشد و به اهدافش نرسیده باشد، به هر چیزی متوسل می‌شود تا بگوید پیروز میدان است. ترامپ دائم دنبال این است که خودش را پیروز معرفی و با یک اقدام، مثلا شکست ایران بزرگ، ادعا کند پیروز شده است. میرمحمدی با استفاده از تعابیر مانند «متوهم» درباره رئیس‌جمهور آمریکا، معتقد است تهدیدهای نظامی اخیر را باید در همین چارچوب ارزیابی کرد. او به‌طور مشخص به خبر احتمال استفاده از «مادر بمب‌ها» اشاره می‌کند و می‌گوید در مقابل چنین تهدیدهایی، مقام‌ها و صاحب‌نظران دفاعی ایران از توان پاسخ متقابل سخن گفته‌اند. میرمحمدی در این زمینه از تعبیر «پدر بمب‌ها» استفاده می‌کند؛ تعبیری که آن را در

«شرق» در گفت‌وگو با سه نماینده مجلس، پیامدهای جنگ روانی آمریکا، اختلافات سیاسی داخلی و بلاکلیفی مردم و مدیران را بررسی می‌کند

ذهن‌های جنگ‌زده

واکنش به تهدید استفاده از سلاح سنگین آمریکایی مطرح می‌کند. او همچنین مدعی است گزارش‌هایی وجود داشته که آمریکا خواستار انجام یک اقدام نظامی بدون دریافت پاسخ متقابل از ایران بوده، اما تهران چنین درخواستی را رد کرده است. میرمحمدی تأکید می‌کند به باور او، هر اقدام نظامی جدید علیه ایران با پاسخ متقابل روبه‌رو خواهد شد. با این حال، او از حجم بالای تهدیدهای رسانه‌ای لزوماً نتیجه نمی‌گیرد وقوع حمله نزدیک است. میرمحمدی می‌گوید: آنچه من حدس می‌زنم این است که وقتی رسانه‌ها خیلی دم از جنگ می‌زنند، کمتر اتفاق می‌افتد که جنگ رقم بخورد. برای برداشت شخصی او است و نمی‌توان آن را قاعده‌ای قطعی برای پیش‌بینی رفتار نظامی آمریکا دانست. اما از نگاه میرمحمدی، تهدیدهای مکرر ممکن است بیش از آنکه مقدمه اقدامی فوری باشند، برای تأثیرگذاری بر محاسبات سیاسی و روانی ایران مطرح شوند.

آمادگی دفاعی در کنار افزایش تاب‌آوری مردم

ایین نماینده مجلس تأکید می‌کند تحلیل جنگ روانی نباید باعث کاهش آمادگی دفاعی کشور شود. او می‌گوید: وظیفه ما این است که آمادگی کامل داشته باشیم. هم نیروهای مسلح باید آمادگی کامل داشته باشند و هم رسانه‌ها ما باید بتوانند ترفندهای جنگ روانی دشمن را تبیین کنند تا این اقدامات خیلی مؤثر نباشد و بتوانیم تاب‌آوری مردم را به‌ویژه در حوزه ارزیابی افزایش دهیم. میرمحمدی سپس به موضوع اهداف اولیه آمریکا در جنگ اشاره می‌کند و معتقد است واشینگتن به بخش مهمی از خواسته‌های خود نرسیده است. او مدعی است ترامپ در نامه‌ای به رهبر وقت انقلاب، خواستار برچیده‌شدن برنامه هسته‌ای، تحویل مواد غنی شده، خلع سلاح نیروهای موسوم به جبهه مقاومت و محدودشدن بر موشک‌های ایران به ۳۰۰ کیلومتر شده بود. میرمحمدی با اشاره به این موارد می‌پرسد آمریکا به کدامیک از اهداف خود دست یافته است؟ مفاد نامه‌ای که او شرح می‌دهد، در این گفت‌وگو با سند مستقلى همراه نیست و نمی‌توان آن را بدون انتشار یا تأیید متن نامه، به‌عنوان خواسته‌های رسمی اثبات‌شده واشینگتن تلقی کرد. با این حال، میرمحمدی معتقد است اولویت‌های آمریکا در ماه‌های اخیر تغییر کرده و اکنون مسئله تنگه هرمز به یکی از محورهای اصلی اختلاف تبدیل شده است. او می‌گوید: امروز در تمام صحبت‌های ترامپ، بحث تنگه هرمز مطرح است. فقط می‌گوید تنگه هرمز را باز کنید. میرمحمدی همچنین مدعی است آمریکا با بخش قابل‌توجهی از شروط هفت‌گانه ایران در مذاکرات موافقت کرده، مشروط به اینکه تهران زمینه بازگشایی راه ترانس هرمز را فراهم کند. این ادعا نیز نیازمند تأیید مستقل است؛ به‌ویژه آنکه گزارش‌های منتشرشده درباره مذاکرات اخیر، همچنان از اختلاف بر سر شروط توافق و ترتیب اقدامات طرفین حکایت دارند. میرمحمدی در ادامه به تحولات یم و افزایش تنش‌ها در منطقه اشاره می‌کند و معتقد است این تحولات بر موقعیت آمریکا و محاسبات واشینگتن تأثیر گذاشته‌اند. از نگاه او، آمریکا در شرایط کنونی از ابزارهای اقتصادی و رسانه‌ای برای واردکردن فشار بیشتر بر ایران استفاده می‌کند. او می‌گوید: با محاصره اقتصادی پیش می‌روند. بحث محاصره هوایی را دیدید که چقدر روی آن مأمور دارند. بحث فروپاشی دوهفته‌ای اقتصاد ایران را مطرح کردند. ترامپ مرتب اعلام پیروزی می‌کند در حالی که به اهدافش نرسیده است. میرمحمدی معتقد است هدف این اقدامات، کاهش تاب‌آوری اقتصاد و اجتماعی ایران است و در تحلیل خود، از تلاش آمریکا برای وادارکردن ایران به تسلیم، تسلط بر منابع کشور و حتی تجزیه ایران سخن می‌گوید. این موارد، ارزیابی سیاسی او از اهداف واشینگتن هستند، نه اهدافی که تمامی آنها به‌طور مستقل و رسمی از سوی آمریکا اعلام شده باشند. او تأکید می‌کند حضور و همراهی مردم، آمادگی نیروهای مسلح و اقدام دولت برای تأمین معیشت جامعه می‌تواند در کاهش اثرگذاری فشارها مؤثر باشد.

دولت نباید در برابر مشکلات مردم متغفل شود

با وجود تأکید میرمحمدی بر نقش آمریکا در شکل‌گیری جنگ روانی، او پیامدهای اقتصادی شرایط موجود را نادیده نمی‌گیرد. این نماینده مجلس در پاسخ به پرسش «شرق» درباره تأثیر جنگ بر تصمیم‌های اقتصادی مردم و اداره کشور می‌گوید: به‌طور طبیعی جنگ یک‌سری آثار جانبی دارد. در کنار دستاوردهای بزرگی هم برای کشور ناشی از راه‌های مبارزه با تهدیدها وجود دارد. این مشکلات اقتصادی در ظرفیت داخلی و خارجی، پاسخ مناسبی در حوزه معیشت مردم و مسائل روحی و روانی آنها دهیم. به باور او، دولت باید بتواند بخشی از نگرانی‌های مردم را با تصمیم‌های اقتصادی و مدیریتی کاهش دهد و اجازه ندهد تهدیدهای خارجی، زندگی جامعه را بیش از این تحت فشار قرار دهند. این بخش از اظهارات میرمحمدی، در نقطه‌ای با سخنان شهرداری تلاقی پیدا می‌کند. هرچند این دو نماینده درباره منشا اصلی شرایط موجود دیدگاه متفاوتی دارند، هر دو بر این مسئله تأکید می‌کنند که هزینه بلاکلیفی نباید بر زندگی مردم تحمیل شود و مسئولان باید برای کاهش فشار اقتصادی و روانی جامعه اقدام کنند.

بافری: وضعیت جنگی، مجوز حفظ مدیران ناکارآمد نیست

اما مسئله دیگری نیز در دل این وضعیت قرار دارد: مسئله اداره کشور در شرایطی که جنگ پایان قطعی نیافته و بسیاری از تصمیم‌ها همچنان بر سلباه آن اتخاذ می‌شوند. آیا شرایط جنگی باید باعث توقف تغییرات مدیریتی شود؟ اگر مدیری عملکرد مناسبی ندارد، آیا می‌توان تغییر او را به بعد از جنگ موکول کرد؟ و اساساً در وضعیتی که پایان روشنی برای آن وجود ندارد، «بعد از جنگ» چه زمانی خواهد بود؟

گفت‌وگوی کامل را در سایت شرق بخوانید

